



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

چگونه قرآن بر خاتمیت

پیامبر اسلامی

گواهی می دهد؟

محمد

مددی یا رسول الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چگونه قرآن بر خاتمیت پیامبر اسلامی گواهی می دهد؟

نویسنده:

ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ چگونه قرآن بر خاتمیت پیامبر اسلامی گواهی می دهد؟
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۶ دلایل خاتمیت
۷ تصرف ناروا در معنای خاتم
۸ پاورقی
۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چگونه قرآن بر خاتمیت پیامبر اسلامی گواهی می دهد؟

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدید آور: مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۰۵-

عنوان و شرح مسئولیت: چگونه قرآن بر خاتمیت پیامبر اسلامی گواهی می دهد؟ [منبع الکترونیکی] / ناصر مکارم شیرازی

ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۳ بایگانی: ۱۹.۷KB)

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام

قرآن

خاتمیت

مقدمه

سوال: بسیاری از افراد سؤال می کنند که مسلمانان جهان به پیروی از کتاب آسمانی خود بر این مطلب اتفاق نظر دارند که پیامبر اسلام خاتم پیامبران و آخرین سفیر الهی است که برای هدایت بشر برانگیخته گردیده و آیین و کتاب و قرآن او، آخرین آیین و کتاب آسمانی است که برای جامعه بشری فرو فرستاده شده است؛ اکنون بفرمایید در کجای قرآن به خاتمیت پیامبر اسلام تصریح شده تا از این طریق، هرگونه راه شک و تردید به روی افراد بی غرض بسته شود. پاسخ: نخست باید توجه نمود که شرایع آسمانی اگرچه در آغاز نظر به صورت شریعت های مختلف جلوه می کند و انسان تصور می کند ادیان متعدّد و گوناگونی برای بشر عرضه شده و رابطه آنها از هم گسسته است و حدّ مشترکی میان آنها وجود ندارد، ولی حقیقت برخلاف این تصور است؛ بلکه از روز اوّل، ارکان نخستین شریعتی که به وسیله حضرت نوح برای بشر عرضه شده [۱] با حقیقت شریعتی که برای پیامبر خاتم نازل گردیده، یکی است و جهات مشترک زیادی میان آنها وجود دارد که همه آنها را به صورت یک آیین واحد و به هم پیوسته که به مرور زمان و تکامل اجتماع تکامل یافته است، در آورده و سرانجام به شکل یک آیین جامع که بشر را از هر نوع تشریح و قانون بی نیار ساخته، عرضه شده است. از این نظر، قرآن اعلام می کند که از روز نخست خداوند جز یک آیین که آن هم آیین «اسلام» است، آیین دیگری برای بشر تشریح نکرده است [۲] و هرگاه بشر از غیر این آیین پیروی کند، از او پذیرفته نخواهد شد. [۳]. قرآن مجید، افکار گروهی را که ابراهیم قهرمان توحید را یهودی و یا نصرانی معرفی می کنند، سخت تخطئه کرده و می گوید: ابراهیم مسلمانی بیش نبوده است. [۴]. بنابر این، شرایع آسمانی در حقیقت، شریعت واحدی هستند که بر اثر تکامل اجتماعات بشری و پیدایش نیازمندی های روز افزون، تکامل یافته و سرانجام به صورت یک آیین جامع به وسیله خاتم پیامبران برای بشر عرضه شده است و در حقیقت این آیینها بسان کلاس های مختلفی هستند که از دبستان شروع و به دوره دکترا منتهی می گردد.

دلایل خاتمیت

مسأله خاتمیت و خاتم بودن پیامبر عالیقدر اسلام از نظر علما و دانشمندان اسلامی، از ضروریات دین و بدیهیات آیین مقدّس اسلام به شمار می رود و هر فرد بیگانه و اجنبی، پس از تماس با افراد و جامعه های اسلامی، این حقیقت را بخوبی درک و لمس می کند

و هرگز ممکن نیست که فردی در یک محیط اسلامی زندگی نماید، اما موضوع خاتمیت به گوش او نخورد و از آن آگاه نگردد و این خود نشانه ضروری بودن مسأله خاتمیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است. هرگاه از «ضروری» بودن آن و این که خاتمیت مورد اتفاق و اجماع مسلمانان جهان است بگذریم، از میان آیات قرآن و روشنترین آیه ای که بر خاتم بودن پیامبر اسلام تصریح می کند، آیه زیر است: «ما كَانَ مُحَمَّدَ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست زولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبر است و خداوند به همه چیز آگاه است!» [۵]. برای روشن شدن مفاد آیه، لازم است که پیرامون لفظ «خاتم» توضیح داده شود. خاتم در لغت عرب، به چیزی گفته می شود که با آن آخر نامه مهر می گردد. در گذشته مهر انسان به جای امضا او بود و هم اکنون اسناد و نامه های مهم را علاوه بر امضا، مهر نیز می کنند و در دوایر دولتی و مقامات رسمی، مهر اداره موقعیت خود را هنوز حفظ کرده است. مهر نامه و یا سند، علاوه بر این که گواهی بر صحت انتساب آن به دارنده مهر است، خود دلیل بر ختم و پایان یافتن نامه و سند، به شمار می رود و در نتیجه محتویات نامه و یا سند، تا آن جا اعتبار دارد که در محدوده مهر قرار گیرد و چیزی که خارج از محدوده مهر باشد از اعتبار ساقط بوده و ربطی به صاحب مهر ندارد. در گذشته برای بستن در ظرف هایی که محتویاتی مانند عسل و سرکه و انواع مایعات داشت به جای وسایل امروز، از قیر و یا گل مخصوصی [۶] استفاده نموده، سپس روی آن را مهر می کردند تا دلیل بر دست نخوردگی آن باشد. [۷]. خلاصه «خاتم» یعنی چیزی که با آن نامه ها و اسناد و دفاتر و ظروف مهر می شد [۸] و اگر در زبان عرب به انگشتر «خاتم» می گویند برای این است که در گذشته مهر آنان، انگشتر آنها بود، و سلاطین و شیوخ قبایل و بزرگان مملکت، نامه و اسناد خود را با انگشتر خود که معمولاً نام شخص در آن حک می شد، مهر می کردند. [۹]. هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) تصمیم گرفت دعوت خود را گسترش دهد و با پادشاهان و زمامداران وقت مکاتبه نموده و سفیری اعزام نماید، دستور داد تا برای او انگشتری تهیه نمایند که در آن «محمد رسول الله» حک گردد، وی تمام نامه های خود را با آن انگشتر مهر می کرد. [۱۰]. بنابراین، معنای ابتدایی «خاتم» انگشتر نیست، بلکه مفاد اولی آن همان وسیله ای است که با آن نامه و اسناد و احیاناً درهای ظروف مهر می شد و اگر به انگشتر خاتم می گفتند، برای این بود که با آن دو کار انجام می گرفت. امروزه نیز در کشورهای عربی به انواع مهرها - از فلزی گرفته تا پلاستیکی - که با آن نامه و اسناد و دفاتر دولتی مهر می گردد و یا خانه و انبار و مؤسسه ای لاک و مهر می شود، «ختم» می گویند. روی این بیان، معنای «خاتم النبیین» روشن گردید زیرا مفاد آن این است که محمد (صلی الله علیه و آله) شخصیتی است که با او درهای نبوت که از زمان حضرت آدم تا زمان وی به روی بشر باز بود، مهر و بسته شد و این فیض الهی بر اثر بی نیازی جامعه انسانی از پیامبر و دین مجدد، به پایان رسید و بار دیگر پیامبری پس از وی نخواهد آمد و همان طور که با مهر، پایان یافتن محتویات نامه اعلام می گردد و می رساند که مقصود نویسنده از نامه به آخر رسیده است، همچنین با اعزام پیامبر اسلام، پایان یافتن این فیض و به آخر رسیدن و ختم جریان این موهبت الهی، اعلام گردید و غرض از اعزام رسل و پیامبران به آخر رسید، گویی که وجود او بسان مهر است که به باب نبوت خورده و این در را برای ابد به روی بشر بسته است.

تصرف ناروا در معنای خاتم

خنده آرو، تصرف نابجا و مضحکی است که برخی از فرق ضالّه درباره «خاتم النبیین» انجام داده اند و برای اغوای مریدان خود چنین وانمود کرده اند که مقصود از «خاتم» در آیه، همان انگشتر است و هدف از تشبیه پیامبر به انگشتر بیان موقعیت پیامبر در میان پیامبران می باشد، زیرا همان طور که انگشتر زینت دست به شمار می رود، همچنین وجود پیامبر اسلام در میان پیامبران زینت آنان می باشد. این تأویل به قدری سست است که حتی پایه گذار این مسلک و حزب، در برخی از کتاب های خود ناچار شده است که

خاتم را به همان معنای صحیح خود تفسیر کند و این تأویل غلط را رها سازد. [۱۱]. تفسیر خاتم به انگشتر، یک نوع خیالبافی است که برای فریب دادن ساده لوحان صورت گرفته است و هرگز در لغت عرب معنای واقعی «خاتم»، انگشتر نیست؛ بلکه همان طور که گفته شد به معنای چیزی است که با آن اسناد و دفاتر را مهر می کردند و اگر به انگشتر نیز خاتم می گفتند به این دلیل بود که با آن نیز نامه و دفتر و سند را امضا و مهر می کردند. ما در تفسیر قرآن هرگز حق نداریم از پیش خود برای لغتی معنایی بتراشیم، بلکه باید از استعمالات رایج در میان عرب زبانان پیروی کنیم؛ در صورتی که هیچ گاه در لغت عرب لفظ خاتم کنایه از زینت به کار نرفته و هرگز نمی گویند فلانی خاتم خانواده خود است و مقصود این باشد که او زینت آنهاست و اگر هدف از توصیف پیامبر به خاتمیت، بیان موقعیت او در میان آنان بود و این که او زینت این گروه است، لازم بود از استعمالات رایج در این زمینه پیروی نموده و بگویید: پیامبر اسلام «تاج» و «اکلیل» انبیاست. چهارده قرن همه مسلمانان جهان از این لفظ همان معنای خاتمیت را فهمیده اند و در احادیث اسلامی در بیان موقعیت پیامبر نسبت به خاتمیت این لفظ به کار برده شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ خَتَمَ بَنِيكُمْ النَّبِيِّينَ، فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ، وَخَتَمَ بِكِتَابِكُمُ الْكُتُبَ فَلَا كِتَابَ بَعْدَهُ وَأَنْزَلَ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ»؛ خداوند به وسیله پیامبر شما باب نبوت را ختم نمود، دیگر پس از او پیامبری نخواهد آمد و با کتاب او به نزول کتاب آسمانی پایان داده، پس از آن دیگر کتابی نازل نخواهد شد؛ این کتاب روشنگر همه چیز است! [۱۲]. برخی از آنان تصرّف نابجای دیگری در لفظ «خاتم» نموده اند و می گویند که خاتم در آیه به معنای مهر است، ولی هدف از توصیف پیامبر به «خاتم پیامبران» همان تصدیق حقایق انبیای گذشته است؛ زیرا همان طور که مهر گواهی بر صحت مضامین یک نامه می دهد، همچنین پیامبر اسلام نیز بر صحت و استواری همه پیامبران گواه است. این تفسیر از نظر بی پایگی دست کمی از اولی ندارد، زیرا درست است که مهر بر صحت یک نامه گواهی می دهد، ولی هرگز در لغت عرب سابقه ندارد به شاهد و گواه، خاتم بگویند بطوری که اگر کسی پای نامه ای را امضا کرد و یا بر حادثه ای گواهی داد، بگویند او «خاتم» است. گذشته از این، تصدیق انبیا از خصایص پیامبر اسلام نیست و هر پیامبر بعدی نه تنها مصدق پیامبر پیشین، بلکه تمام انبیای گذشته بوده است؛ خداوند حضرت مسیح را چنین معرفی می کند: «وَأَذَقَ عِيسَى بَنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَمَصِدَّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ» (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [= تورات] می باشم. [۱۳]. ضمناً باید توجه داشته باشیم که دلایل قرآنی خاتمیت منحصر به این آیه نیست، بلکه آیات متعدّد دیگری بر خاتمیت رسالت جهانی پیامبر اسلام گواهی می دهد و برای اختصار فقط به بیان یک آیه پرداختیم.

باورقی

[۱] شاید برای گروهی تصوّر این مطلب که نخستین شریعت آسمانی برای بشر، به وسیله حضرت نوح عرضه گردیده است مشکل باشد و با خود بگویند: چگونه می توان گفت برای نخستین بار شریعت آسمانی به وسیله حضرت نوح برای بشر عرضه شده است، در صورتی که پیش از وی پیامبرانی برای هدایت بشر برانگیخته شده بودند؟ ولی با توجه به یک مطلب این مشکل خود به خود برطرف می شود و آن این که اعزام انبیا همراه با فرستادن شریعت نیست؛ زیرا مقصود از شریعت یک رشته قوانین فردی و اجتماعی است که بشر را به سوی تکامل مادی و معنوی سوق دهد؛ فرستادن چنین شریعتی فرع استعداد و آمادگی فکری و روحی بشر برای پذیرش آن است و تا شایستگی برای درک مفاهیم دین و نیاز به جعل قوانین در بشر پیدا نشود، انزال شریعت و جعل قوانین برای آنان لغو و بیهوده خواهد بود. از این نظر برنامه پیامبران پیش از نوح بسیار ساده بوده و از حدود دعوت به مسائل فطری که هر فرد با سرشت انسانی آن را درک می کند تجاوز نمی کرد و بر اثر کمی استعداد و نبودن زندگی دسته جمعی در میان انسانها که شارع را برای تشریح قوانین ملزم سازد، سفرای آسمانی برای بشر از طرف خداوند حامل پیامی خاص و شریعتی نبوده و فقط مأمور بودند که

آنها را به سوی ادراکات نخستین انسانی مانند توجه به خدا و نیکی به انسان‌ها و دوری از ظلم و تجاوز و... که برای انسانها فطری و قابل درک است هدایت نمایند.

[۲] إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (سوره آل عمران، آیه ۱۹).

[۳] وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ (سوره آل عمران، آیه ۸۵).

[۴] مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ حَنِيفًا مَسْلُومًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (سوره آل عمران - آیه ۶۷) مقصود از اسلام در این آیات همان تسلیم در برابر اراده خداست بطوری که جز خداوند ولیی برای خود اختیار نکند.

[۵] سوره احزاب، آیه ۴۰.

[۶] در لغت عرب به آن «ختم» می گفتند و مقصود از آیه «وَخِتَامُهُ مِسْكٌ» نیز همین است، یعنی چیزی که با آن درهای مایعات بهشتی را لاک و مهر می کنند، بوی مشک می دهد.

[۷] مقدمه ابن خلدون، جلد ۱، صفحه ۲۲۰.

[۸] در کتاب های لغت و تفسیر، هنگامی که لفظ خاتم را تفسیر می کنند می گویند: «خاتم» به معنای «ما یختم به» است، یعنی چیزی که با آن نامه و سند و غیره مهر می شود.

[۹] مقدمه ابن خلدون، جلد ۱، صفحه ۲۲۰.]

[۱۰] طبقات کبری، جلد ۱، صفحه ۲۵۸.

[۱۱] اشراقات، صفحه ۲۹۲.

[۱۲] وافی، جزء ۲، صفحه ۱۴۴.

[۱۳] سوره الصف، آیه ۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه

مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

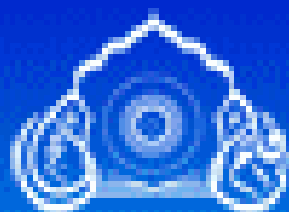
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

